

خوردن شکر در این وقت از آن نافع است و خوردن خلوص آن سه روز است  
عشق تمام الیه که حال قدر اوله سن بر جهان کلمه مکن و قدری فی داری جهان  
اعتقاد الیه اگر بر فوج شراب طهر است که شادی و زنده جان خور و نازک بوزن آن  
زهر جین که نازک بدن است و شسته لیم مراد عشق و نضیک و ارایه اوله  
ایلم مصاحبت الیه دیگر بر پیچیده کش من که در او آتش خوش باد بر عشق  
سعی ایچی مشغول که رنگ روان خوش اوله سن گفت پیچیده کن از صحت پیمان  
شکفتن عهد صیقل مصاحبتن چه چیز الیه دیری بیان شکفتن دن مراد هوا و  
هوس مائل اولن دنیا چه است که در با صفا و جین الیه خردی گفت لاله جیند سحر حق  
صیاد ایتیم که مستندان که انداختن الیه خورین گفتان که بود و کل خونین گفتن که کل  
مستیر لری در گفتن حافظین و تو خرم این از آن است ای تیری ای حافظین و سن  
بوزار کی محرمی و کل از فی فعل حکایت کن و شیرین و پیمان عشق الیه دن و اوله  
الدن و اسما و صفات دن حکایت الیه مراد و قضا و قدر دن مصاحبت جانر دکله اوله  
بیان در داخ دن دوست بدست آرد و دشمن بگسل دوست دامن الیه کتور و دشمن  
دن کسل خرد پیروان شو و این کتور از این مشتاق است دوست اول شیطان دن این  
یک دوست دن مراد خلد و سن دن مراد نفس و پیمان در **وله اسباب کلکرا**  
ز سنبل شکفتن نبات کن کل پیرا غن شکفتن سبلان نقاب الیه یعنی که روح پیوست  
و جهان را خراب کن یعنی که روزی اورد و جهانی خراب الیه خطاب درین که در کل  
عشق اولی مرید لری و حلقه ضرر حق است **بیشتر** عرفی ز جهره و اطراف باغ را  
بگویند حق صیاح و باغ الیه لری چون پیشه های دین و کار کلان کن نرم کدمن  
بیشتر لری که بر کلار الیه خطاب درین که از راه عشق و فنی در عالم الیه  
عالم لطیف الیه بگفت بشی نرسن پخوان مست را است بر خلد بشی شود الیه

آرام خاقد

بیشتر امر خاقد

آج و در شکفتن نرسن و غنا خواب کن و دست کردن رعنا نرسن جیند خاقد  
ایلم یعنی نرسن مشغول الیه چشک است اولی شراب عشق کفین ظاهر اوله  
پرخواب اولی استغراق اوله خطاب در مشغول در ایلم خاقد عمر تر فتن شبان  
کرد کل زمان عمری که استیجالی اندی ساقی برورد داده و کلکون شبان کن  
ایمانی داده و کلکون دورن شبان الیه بوی شسته بشود و زلف و کار کبر سر  
بشفت نک رایحه سمانیت و نفاک زلفی طوت بیکر رنگ الیه و غیر مشرب کن  
لازم که رنگدین و شراب قصدا لیه را در بیکای لطیف زمانه اسرار الهیه و عشق  
سویا لیه دیگر خطاب عاجز می چون صفت دین مژدی قریح کنی حساب کبری کوی  
قدحک یوز شراب وین خانه و قیاس سانس از صفت کنی بر خانه نکات سنی  
حساب دن قیاس الیه مراد نیا نیک بیضا در حساب کبری بی ثبات بلوغ شقه سنی الیه  
دکله زانی که رسم و عادت عاشق کشی شست اول مراد که سنگ عاشق  
کش کلک رسم و عادت در باد بکلان قریح کشی و با عادت کن خردی الیه قریح  
چک و زهره عتاب الیه مراد استعداء الیه اوله لایق تم الیه و لایق فال مثل  
جیند خاقد هو اوله و غشا و راحت دن و لیل و لعل و حشمت اوله و غن بیان در خطاب  
خدا بر در حافظ و محال بعلیه از ره دعا حافظ وصال طلب ایدر دعا بوندن  
یارب و دعا بخت و دلان مستجاب کن باز بخت دلاله کن دعای مستجاب الیه  
**وله** صفت ساجد خدی بر شراب کن صیاح در ای ساقی بر روح بر شراب الیه  
دور کلک و رنگ نوارده مستجاب کن کلک دوری کلک کلک نواز شراب الیه مراد و حشمت  
عینت بلوغ مرشدن فیض طلب اتد و کن اشعار در زمان پیشتر که عالم غانی  
سخن خراب الیه کن اوله که در عالم غانی خراب اوله کار آیت با ده و کلکون  
خراب کن خردی داده و کلکون ابی الیه خطاب الیه مراد موت دن اوله بری شست الیه

۲۲

سجده